

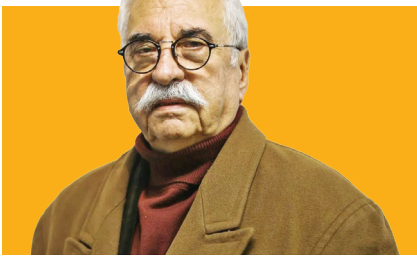


اولویت‌های اصلی ارتباطات بین الملل سینمای ایران
محمد خزاعی، رئیس سازمان سینمایی در آیین آغازین چهارمین هفته فیلم چین: در این دوره اولویت‌های اصلی ارتباطات بین الملل سینمای ایران با کشورهای هم‌کیش، هم‌زبان و همسوز تعریف شد و این اولویت‌بندی موجب تقویت ارتباطات سینمایی ایران با کشورهای همسایه نیز شد. /سینماپرس



تجربه من از سینما حقیقت خارق العاده بود
جان فرانکو زری، کارگردان ایتالیایی: تجربه من از جشنواره سینماحقیقت خارق العاده بود. طیف وسیعی از دیدگاه‌های جهانی را دربر می‌گرفتند. جلسات تامل‌برانگیز بعد از نمایش فیلم‌ها که ارتباط قوی میان فیلمسازان و مخاطبان شکل می‌داد، تجربه‌ای غنی و به‌طور ویژه برای من لذت‌بخش بود. /ایلنا

کوتاه‌تر از گزارش



باید اول به ادبیات خودمان پیر دازیم؛ هر چند مرغ همسایه به غاز باشد

گفت‌وگو با هادی مرزبان. کارگردان نمایش باغ شب‌نمای ما

هادی مرزبان سال‌هاست متن‌های اکبر رادی را اجرا می‌کند. پلکان، آهسته با گل سرخ، هاملت با سالاد فصل، آمیز قلمدون و شب روی سنگفرش خیس از جمله نمایشنامه‌های رادی هستند که مرزبان روی صحنه برده و حالا هم باغ‌شب‌نمای ما را با متنی از اکبر رادی در حال اجرا دارد. باغ شب‌نمای ما داستان «بلبله عالم» است که به اطرافیان، همسران و به‌ویژه ملیچک خود متغول شده و از صدای اعتراضی که جانش را تهدید می‌کند، غافل شده است. ایرج راد و فرزانه کابلی که تقریباً در تمام نمایش‌های مرزبان حضور داشته‌اند در این نمایش هم بازی می‌کنند و به جز آنها عباس توفیقی، فرسید صمدی‌پور، آیه قبادیان، سیدحسام‌الدین فریسی، علی بیگی و سپیده آرمان بازیگران این نمایش هستند. در این گفت‌وگو هادی مرزبان از علاقه‌اش به متون ایرانی و از نمایش باغ شب‌نمای ما می‌گوید.

اولین اجرا چگونه بود؟

من تجربه اجرا در نیابوران را نداشتم. استقبال بسیار خوبی داشتیم. سالن پر بود. تماشاگران با کار ارتباط برقرار کرده بودند و بچه‌های خودمان هم بسیار خوب کارشان را انجام دادند. خوشحالم از اجرایی که دیدش داشتیم.

شما این نمایش را بیشتر از ۲۰سال پیش هم اجرا کرده بودید. چطور شد که دوباره آن را روی صحنه بردید؟
من این نمایش را ۲۵سال پیش اجرا کردم و چون رگه‌های طنز دارد، دوستش دارم. زمانی قرار بود آقای انتظامی نقش ناصرالدین‌شاه را بازی کند که نشد و خودش ایرج راد را پیشنهاد داد. آقای راد هم بسیار خوب کار کرده است. این نمایش یک کمدی ترازوی است، بخش‌های طنز زیادی دارد و بخش ترازوی هم که همیشه در کارهای رادی می‌بینیم، در آن وجود دارد. این باعث می‌شود تماشاگر با هر سلیقه‌ای راضی از سالن بیرون برود. من همیشه می‌گویم تماشاگر وقتی بیرون می‌رود باید حتماً به یک‌سری سوالات اجتماعی اش پاسخ داده شده باشد، اگر هم سوالی ندارد، باید این سؤال‌ها برایش ایجاد شود. این متن این خصیصه را دارد؛ به‌خصوص بخش طنزش برای من جذابیت زیادی داشت. من اعتقاد دارم در این شرایط مردم به خوشی و خنده احتیاج دارند؛ به همین دلیل این رگه‌های طنز برآیم مهم بود.

این جنبه طنز متن در کار شما برجسته شده است؟
دقیقاً. یکی به بخش‌های طنز و یکی هم به‌خصوص به بخش مربوط به زن‌های ناصرالدین‌شاه بیشتر پرداخت شده است. چون می‌دانید که ناصرالدین‌شاه ۸زن داشته است. این بخش‌ها برجسته شده است؛ مخصوصاً داستان جیران که وقتی ناصرالدین‌شاه او را می‌بیند، به‌نظم خود عشق است.

نسبت به اجرای قبلی، این اجرا چه تغییراتی کرده است؟

حدود ۲۵سال تغییر کرده است! مثلاً از همین بخش عشق ناصرالدین‌شاه و جیران در اجرای قبلی خیلی ساده می‌گذشتیم، ولی در این اجرا بیشتر به آن پرداخته شده است. قسمت درباریان، اعوان و انصار ناصرالدین‌شاه هم پررنگ‌تر شده‌اند. فکر می‌کنم به مسائل اجتماعی روز هم پرداخته‌ایم.

شما سال‌هاست که متن‌های اکبر رادی را کار می‌کنید. دلیلش چیست؟

من همیشه شیفته ادبیات نمایشی و نویسندگان بزرگ خودمان بوده‌ام. زمانی که دانشجو بودیم، برشت، پینتر، میلر و شکسپیر کار کردیم تا از بقیه عقب نمانیم. ولی همان زمان هم من به ادبیات و متن‌های نمایشی ایرانی گرایش داشتم؛ حتی گهگاه می‌دیدم دانشجوی‌های هم‌دوره خود سبیلی می‌جویند و من را چپ‌چپ نگاه می‌کردند که چرا شیفته ادبیات خودمان هستم؛ حتی یادم هست زمانی که لندن بودم در دانشگاه یکی از متن‌های سعدی را کار کردم، می‌خواهم بگویم ادبیات خودمان را از جح می‌دانم و گله‌مند هستم که چرا دانشجویان و استادان نمایش به متون ایرانی نمی‌پردازند.

به محض اینکه هوا پیمایشان از فرودگاه بین‌المللی پرواز می‌کند، انگار تمام هویتشان یادشان می‌رود و اسیر ایسم‌های آن سوی آب می‌شوند. من نمی‌خواهم کسی را دکنم. اصلاً من چه کسی هستم که بخوام ادبیات نمایشی غرب و جهان را زیر سؤال ببرم. اصلاً ناتمام ما وارداتی است، ولی حرفم این است که اول باید خودمان را بشناسیم، ببینیم دوروبرمان چه داریم، به اینها بپردازیم و بعد برویم سراغ مرغ همسایه، هر چند که غاز باشد. ما نویسندگان بسیار بزرگی داریم.

از حضور ایرج راد در این نمایش بگویید. شما در چند نمایش دیگر هم با او همکاری کرده‌اید.

ایرج راد سال‌هاست که با من کار می‌کند و در بیشتر نمایش‌های من حضور داشته است. به‌خودش می‌گویم تو برکت کارهای من هستی. در این نمایش وقتی می‌خواستیم از او دعوت کنم خیلی‌ها به من گفتند خیلی عورت قور داده است و مناسب کار طنز نیست، ولی او یک طنز قوی دارد که در این کار به‌خصوص خیلی برجسته شده است. امیدوارم بتوانیم سال‌های بیشتری با هم کار کنیم.

این کار را قرار بود در برج آزادی اجرا کنید. چه شد که در فرهنگسرای نیابوران اجرا رفتید؟

بله. قرار بود در برج آزادی اجرا کنیم. خیلی هم محبت کردند و خیلی از مسئولان برج آزادی متشکرم، ولی واقعیت این است که وقتی خودم عرض میدان آزادی را طی کردم دیدم در شب این رفت‌وآمد بسیار برای تماشاگر سخت است؛ هر چند پارکینگ هم دارد، ولی نگران تماشاگر بودم. من سال‌ها پیش خانمچه و مهنایی را در همین برج آزادی روی صحنه برده بودم اما دوست داشتم در فرهنگسرای نیابوران هم اجرا داشته باشم.

گیشه ۱۰۰۰میلیاردی

سینمای ایران طی ۶ماه اول سال چه مسیری را در اکران طی کرد؟

گزارش

فهیمة پناه آذر
روزنامه‌نگار

سینمای ایران در حالی نیمه اول سال را پشت سر گذاشت که در گیشه به رقم قابل توجه ۱۰۰۰میلیارد تومان فروش رسید؛ فروش بالایی که نشانه‌ای از رونق گیشه و نمايانگر اقبال عمومی به فیلم‌هایی است که در ۶ماه اول ۱۴۰۳ به نمایش عمومی در آمده‌اند. این گیشه ۱۰۰۰میلیاردی البته جزئیاتی دارد، جزئیاتی که نشان می‌دهد بیشترین اقبال عمومی به فیلم‌های کمدی بوده است. در نیمسال پررونق سینمای ایران، موضوع فاصله فیلم‌های صدرنشین و قعرنشین هم در نوع خود جالب توجه است. در واقع سهم فیلم‌های انتهایی جدول فروش نسبت به صدرنشین‌ها بسیار اندک و در نوع خود قابل مطالعه است.



۱	۲	۳	۴	۵	۶
این روزها نخستین و دومین فیلم بایک خواجه پاشا همزمان در سالن‌های سینما در حالی اکران می‌شود که نخستین فیلم این کارگردان با نظر هیأت انتخاب به اسکار ۲۰۲۵ معرفی شده است.	«در آغوش درخت» فیلمی درام- خانوادگی است که در شهر ارومیه فیلمبرداری شده. این فیلم قبل از اینکه اسمش به‌عنوان نماینده ایران در اسکار برده شود فروش پایینی داشت، اما با معرفی این فیلم انگار تماشاگران کنجکاو شده‌اند تا آن را تماشا کنند.	هیأت انتخاب معرفی نماینده سینمای ایران به آکادمی اسکار پس از ۱۰روز بررسی و بازبینی فیلم‌های حائز شرایط، فیلم سینمایی «در آغوش درخت» به کارگردانی بابک نماينده ایران به عنوان دیگر رونق‌استقبال از اسکار ۲۰۲۵ معرفی کرد.	در حالی که تاچندشب گذشته فروش روزانه «در آغوش درخت» زیر ۱۰۰میلیون تومان بود، با اعلام خبر معرفی به‌عنوان نماینده سال ۲۰۲۵ سینمای ایران در بخش بین‌المللی اسکار، بار دیگر رونق‌استقبال از فیلم افزایش یافته است.	براساس آمار سمنفا، «در آغوش درخت» در فروش روزانه بالاتر از فیلم‌هایی چون «شهر گر به‌ها ۲»، «ملاقات با جادوگر»، «آغوش باز» قرار دارد و با احتساب فروش ۴شعب گذشته، رقم فروش این فیلم به ۵میلیارد و ۲۰۰میلیون تومان رسیده است.	«در آغوش درخت» با نمایش قاب‌هایی خارج از فضای تهران در شهر ارومیه به تولید رسیده و با خلق داستانی شاعرانه، آخرین تلاش‌های «آخرین تلاش‌های یک خانواده» در فروش است.

وقتی خبر نامزدی اسکار باعث فروش فیلم شد

وقتی خبر نامزدی اسکار باعث فروش فیلم شد

پایان فیلمبرداری «خاتی»



فیلمبرداری «خاتی» پروژه‌ای که با تغییر بازیگر اصلی‌اش خیرساز شد، به پایان رسید و مراحل فنی فیلم در حال انجام است. فیلمبرداری سینمایی «خاتی» به کارگردانی فریدون نجفی، نویسنده‌گی احمد رفیع‌زاده و تهیه‌کنندگی محمد کمالی پور دوشنبه دوم مهرماه به پایان رسید.

سارا بهرامی، سعید آقاخانی، آنهیتا افشار، علی هاشمی، کاظم نوربخش، آرمیتا مرادی، شادی خلیلی، میلاد آرمند، سحر خطیبی با هنرمندی فرید سجادی حسینی و بازیگران خردسال اشکان اردستانی، ارغوان عزیزی و دنیز بیک‌محمدی گروه بازیگران «خاتی» را تشکیل می‌دهند. ابتدا لیلا حاتمی بازیگر نقش اول زن این فیلم بود ولی پس از ۲ هفته به دلایلی از این پروژه جدا شد و جای خود را به سارا بهرامی داد.

در خلاصه داستان «خاتی» آمده است: ترازوی وقتی آغاز می‌شود که محکوم به رفتن می‌شود؛ آن هم وقتی که همچون تنهاترین درخت جنگل بلوط ریشه در خاک دوانده‌ای... مراحل فنی «خاتی» به‌طور هم‌زمان در حال انجام است تا نخستین نمایش فیلم در چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر باشد.

رخداد

اختلاف با سرمایه‌گذار، سریال تاریخی آیدا پناهنده را متوقف کرد. شنیده‌ها از تعطیلی سریال «جادوی سفید» آیدا پناهنده، با بازی پارسا پیروزفر در نقش اصلی پس از یک پیش‌تولید مفصل حکایت دارد. گفته می‌شود دلیل اصلی، اختلافاتی است که میان سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده (محمد مینویی) بر سر بالا بودن هزینه‌ها، پیش آمده. براساس گفته منابع آگاه در پلتفرم تولید کننده قرار بود «جادوی سفید» با سرمایه‌گذاری محسن خباز به سرانجام برسد و پس از پایان تولید، یکی از پلتفرم‌ها آن را بخرد. ظاهراً اما سرمایه‌گذار از ادامه تریق مالی خودداری کرده و سریال عملاً متوقف شده است. خبر توقف ساخت سریال هفته پیش رسانه‌ای شد که طبق شواهد با هدف جذب سرمایه‌گذار جدید بوده، سریال از اردیبهشت امسال وارد مرحله اجرایی و تاکنون حدود ۲۰میلیارد تومان صرف آن شده است. برخی عوامل اما به‌دلیل عدم تریق سرمایه دستمزد نگرفته‌اند. براساس شنیده‌ها، پلتفرمی که «جادوی سفید» قرار بوده محصولش باشد سریال را می‌خواهد اما نه برای حالا و نه بسا هزینه فعلی، بلکه برای بعدها و در صورت پذیرش شرایط جدید توسط کارگردان آن. شرایطی که هنوز آیدا پناهنده آن را نپذیرفته است.



چهارشنبه ۴ مهر ۱۴۰۳ - شماره ۹۲۱۲



صفحه‌آرا: بهروز قلی‌پور

سینمای جهان



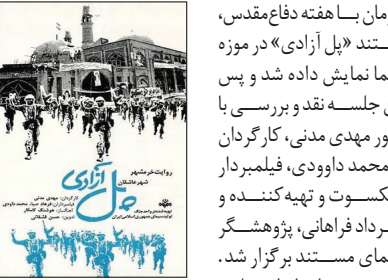
کاترین دونو، رئیس جوایز سزار شد

کاترین دونو، رئیس افتخاری پنجاهمین دوره جوایز سزار شد. این مراسم ۲۸فوریه در سالن کنسرت المپیا برگزار می‌شود و از گروه تلویزیون کانال پلاس فرانسه که شریک رسانه‌ای جوایز سزار است هم بخش خواهد شد.

این بازیگر ۸۰ساله که تقریباً ۷۵دهه فعالیت حرفه‌ای در کارنامه دارد، در مجموعه‌ای از فیلم‌های نمادین از برخی از معتبرترین فیلمسازان جهان از «ژیباری روز» و «تریستانا» لوئیس بونولل تا «آخرین مترو» فرانسوا تروفو، «دختران پولانسکی» و «قصند» در تاریکی» لارس فون تریر بازی کرده است. دونو که بازیگری را از سال ۱۹۵۷ و وقتی ۱۲ساله بود، آغاز کرده، سوابقه طولانی در جوایز سزار دارد، ۱۴بار نامزد کسب این جایزه شده و ۴بار عنوان بهترین بازیگر زن را برای نقش‌هایش در فیلم «آخرین مترو» در سال ۱۹۸۱ و «هندوچین» رئیس وارنیه در سال ۱۹۹۴ دریافت کرده‌است. «هندوچین» که برایش یک نامزدی اسکار هم به ارمغان آورده، در نهایت جایزه بهترین فیلم خارجی‌زبان اسکار ۱۹۹۴ را کسب کرده که به آخرین جایزه اسکار فرانسه در این بخش بدل شده و فرانسه از آن زمان تاکنون اسکار دیگری در بخش فیلم بین‌المللی دریافت نکرده است. دونو هنوز هم یک بازیگر پرکار است و با طیف وسیعی از کارگردان‌ها مانند آندره تکیس (فصل دلخواه من)، نیکول گارسیا (جای ندوم)، فرانسوا ازن (هشت زن)، آرنو دسپلشین (یک داستان یک سرسمن)، امانوئل بروکو (او دارد می‌رود)، سدريک کان (جشن خانوادگی)، هیروکازو کورئیدا (حقیقت) کریستوف اونوره (محبوب) و لئا دومناش (برنات) کار کرده است. این بازیگر سال ۲۰۰۵ جایزه نخل طلای افتخاری جشنواره فیلم کن را دریافت کرده و سال ۲۰۲۰ نیویورک تایمز وی را در ردیف یکی از بزرگ‌ترین بازیگران قرن بیستم‌ویکم جای داد است.

موزه سینما

«پل آزادی» در موزه سینما



همزمان با هفته دفاع مقدس، مستند «پل آزادی» در موزه سینما نمایش داده شد و پس از آن جلسه نقد و بررسی با حضور مهدی مدنی، کارگردان اثر، محمد داوودی، فیلمبردار پیشکسوت و تهیه‌کننده و مهرداد فرهادی، پژوهشگر سینمای مستند برگزار شد. مهدی مدنی در ابتدای این جلسه درباره روند تولید این مستند گفت: ابتدا می‌خواهم به خانواده‌های داغ‌دیده مدنیجان طبع تسلیت بگویم. ما شاهد جنگ بوده‌ایم و ما دنیایم انتق بسیار وحشتناکی است. اینکه به مخاطبان نگاه دهم اتفاقاتی که در خرمشهر رخ داده، بسیار غیرانسانی بوده است که ما فیلمسازان باید انجام دهیم. مهدی مدنی درباره فیلمبرداری این مستند گفت: من شناخت زیادی از آقایان داوودی و صبا داشتم و مطمئن بودم که نتیجه کار این دو بزرگ‌تر می‌تواند محور اصلی اثر باشد؛ البته از تمام مراکز ایران فیلم‌ها به خرمشهر فرستاده شده بود و حجم فیلم‌ها بسیار زیاد شده بود، اما محور اصلی کار براساس آثار این دو عزیز بود.

نشانه‌گذاری در فیلم مستند مهم است

این کارگردان پیشکسوت افزود: من حضور فیزیکی در کنار فیلمبرداران نداشتم و آنها براساس ذهنیت خودشان زاویه دوربین و موارد مختلف را انتخاب می‌کردند. مسلماً فیلمبرداری در آن شرایط بسیار مشکل است، اما من به آنها اطمینان داشتم. مدنی با بیان اینکه نشانه‌گذاری در فیلم مستند بسیار مهم است، ادامه داد: در فیلم پل آزادی برای مخاطبان به نوعی روزشمار تاریخی قرار دادیم. فیلمبرداری اصلی این کار افراد خوش‌فکری بودند و برای من مترسار بسیار خوبی آماده کردند. اگر این عزیزان نبودند مستند پل آزادی ساخته نمی‌شد.

اکماکار برای موسیقی یک ریال نگرفت

وی در ادامه گفت: نمی‌توانم بگویم چند ساعت را ش در اختیار داشتیم، اما یکی از اتاق‌های ما در آن زمان پر از فیلم بود. ما روزها و ساعات‌های زیادی با تدوینگر مستند فقط راش‌ها را تماشا می‌کردیم تا بتوانیم از میان آنها صحنه‌هایی را انتخاب کنیم. این موضوع را به جرأت می‌گویم که من به‌عنوان کارگردان به عمد هیچ صحنه‌ای را حذف یا اضافه نکردم؛ آنچه شما تماشا کرده‌اید تنها ذهنیت من بود. مدنی درباره موسیقی نیز گفت: در آن روزها همه در شرایط سختی قرار داشتند و صداوسیما گزارش‌هایی منتشر می‌کرد که خسته‌کننده شده بود. در نتیجه ما تصمیم گرفتیم در فیلم به جای نریشن از موسیقی استفاده کنیم. آقای اکماکار و خانواده‌شان به‌تازگی از سندج به تهران آمده بودند. زمانی که فیلم ما تماشا کردند بدون مقدمه گفتند که من تمام کارهای موسیقی این مستند را انجام می‌دهم و یک ریال هم دستمزد دریافت نکرد. کار درباره جنگ ویژگی‌های خاص خودش را دارد و ممکن است که کمی خسته‌کننده شود و موسیقی می‌تواند از این اتفاق جلوگیری کند. تمام کار موسیقی این مستند تحت‌نظر آقای اکماکار بود و من تنها در ۳صحنه از فیلم نظرم را به ایشان گفتم.

«نگار» ۳۰ فروردین فیلم‌جدول اکران عهده‌دار سال به تهیه‌کننده چهارم گیشه سینماها را از خود کرد